

# سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

## از رودکی تا فروغ

گردآوری و نگارش: مهندس پرویز نظامی

## حکیم ابوالقاسم فردوسی

و در این سن کهولت زندگی اش با از دست رفتن تنها پسرش دستخوش حرمان و غم بزرگی شده است. مرثیه ای که در عزای فرزندش در شاهنامه آورده از جمله غم افزاترین داستانهاست.

در دوران جوانی به علت عشق و وفاداری به سرزمین آباء و اجدادی اش ایران که تحت اشغال و سلطه ی تازیان بود، به منظور مبارزه با اشغال گران به جمعیت سری زیرزمینی شعوبیه پیوست. شعوبیه یک نهضت فرهنگی-سیاسی-اجتماعی آن زمان بود که توسط عده ای از دهقانان و آزاد مردان ملی گرا که اکثر شیعه و اهل فتوت و جوانمردی و علاقمند به تصوف و عرفان و فرهنگ ایرانی بودند در شهرهای مختلف به ویژه خراسان به طور مخفی دایر شده بود. هدف این گروه مردان مبارز رهایی ایران از چنگال تازیان و تجدید حیات اندیشه و تفکر و فرهنگ و زبان ایران باستان، حفظ و بقای هویت ایرانی و مبارزه فرهنگی-اجتماعی و سیاسی بود. فردوسی که با بهره وری از نبوغ ذاتی اش از اول جوانی تسلط شگفت انگیزی به زبان فارسی میانه و لفظ دری داشت از بهترین سرمایه های این نهضت زیرزمینی بود چون می توانست نقش بسیار مهم و مؤثری را در تصنیف و توزیع شب نامه ها و رساله های فلسفی و عرفانی و آزادیخواهی مبتنی بر افکار ایرانی و چگونگی برتری آن بر فرهنگ جاهلی عرب ایفا نماید. معاشرت با سایر اعضا انجمن باعث شد که فردوسی زبان پهلوی را نیز بیاموزد و از کمک های مالی و معنوی سایر اعضا در کار تألیف شاهنامه برخوردار شود.

فردوسی از شاهنامه ی ابومنصوری که به نثر فارسی دری بود و سایر خداینامه ها و نیز کارنامه ی اردشیر بابکان و داستان بهرام چوبین برای تألیف شاهنامه کمک گرفت و پس از آشنائی و مرور در شاهنامه ی دقیقی که شاعر جوانمرد آن فقط فرصت یافته بود هزار بیت از آن را بسراید، مصمم شد کار شاهنامه ی دقیقی را دنبال کند و با بهره وری از استقامت روحی و توان شعری فوق العاده ای که داشت به خلق این شاهکار بی نظیر تاریخ و ادب فارسی همت گمارد و اثری را خلق کند که صاحب نظران معتقدند پرمایه ترین دفتر شعر فارسی و مهمترین سند عظمت و فصاحت این زبان است. از این زمان به بعد و به مدت سی سال و اندی زندگی فردوسی به کلی عوض شد، در کار اداره ی املاک سهل انگاری کرد و فقط به کار سرودن شاهنامه پرداخت.

چگونگی ارتباط فردوسی با سلطان محمود غزنوی در پرده ای از ابهام قرار دارد ولی از قراین تاریخی چنین برمی آید که فردوسی تصنیف شاهنامه را به دستور و یا خواست سلطان محمود غزنوی آغاز نکرده است و فقط محتمل است که به منظور بهره گیری از نفوذ و شوکت سلطان محمود در پایان کار برای اینکه نشر کتابش با توفیق بیشتری همراه باشد در نظر گرفته بود شاهنامه را به سلطان محمود پیش کش کند. در مورد استقبال و یا پذیرش شاهنامه از طرف محمود و دادن خلعت و پاداش به فردوسی روایات مختلف بسیار است که چون هیچ یک سندیت و قاطعیت ندارد،

حماسه سرای بزرگ ایران زمین، سراینده والامقام شاهنامه که به جرأت می توان گفت سند هویت و قومیت ملی و تاریخی ایرانیان را با سرودن حدود شصت هزار بیت رقم زده و زبان فارسی را از گورستانی که تازیان برای دفن آن تدارک دیده بودند بیرون آورده و تجدید حیات بخشیده، حکیم ابوالقاسم



فردوسی به سال ۳۲۹ هجری قمری در قریه ی باژ از توابع طوس به دنیا آمد و به سال ۴۱۱ هجری در سن ۸۰ سالگی چشم از جهان فروبست و به سرای جاودان شتافت. می گویند کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد! این ضرب المثل در مورد تاریخچه ی زندگانی فردوسی صدق می کند زیرا که از جزئیات زندگانی مردی که خود تاریخ کهن ایران را به رشته ی نظم در آورده اطلاعات دقیقی و صحیحی در دست نیست. داستان هائی هم که از زندگانی او نوشته اند اکثراً ضد و نقیض می باشد. به هر تقدیر، چنین به نظر می آید که فردوسی در یک خانواده کشاورز در اطراف شهر طوس به دنیا آمده و خود نیز از طریق کشاورزی در املاک موروثی امرار معاش می کرده است. تحصیلات ابتدائی اش را در شهر طوس به انجام رسانید و در محفل شیخ محمود معشوق طوسی و شیخ ابوبکر طوسی با عرفان و تاریخ و شعر و ادب آشنائی پیدا کرده است. نظامی عروضی در شرحی که از زندگانی فردوسی حدود یکصد سال پس از فوت شاعر در چهارمقاله نگاشته است، می گوید فردوسی ملاک بزرگی بوده و تا شصت سالگی زندگانی بالنسبه راحتی داشته، لکن به علت اشتغال شدید در مدت حدود سی سال به کار تألیف شاهنامه تدریجاً املاک کشاورزی خود را از دست داده و در پایان عمر از لحاظ مالی بسیار در مضیقه بوده است. در شصت و پنج سالگی قدرت شنوائی و بینائی اش بسیار ضعیف گشته بود و از لحاظ سلامت جسم نیز وضع رضایت بخشی نداشته



من از ذکر آنها خودداری می کنم. اینکه آیا سلطان محمود پاداش و خلعت مادی به فردوسی داده یا نداده تأثیری در ماهیت کار فردوسی نداشته است. به نظر می آید که احتمالاً به لحاظ اختلافات عقیدتی-مذهبی و ملیتی سلطان محمود نظر موافقی با فردوسی و شاهنامه ی او نداشته است و احساسات شورانگیز و نظریات ملی گرایانه فردوسی علیه تازیان-ترکان و تورانیان و نیز شیعه گرائی او مورد پسند سلطان محمود غزنوی نبوده است.

فردوسی بی هیچ گمان، بزرگ ترین حماسه سرای ایران است و تسلط او در آرایش صحنه ها، گزینش کلمات، ترکیب استادانه ی اجزای جمله و ارائه ی تصاویر متناسب با موضوع در حدی است که با دیگر استادان این شیوه قابل قیاس نیست و در زندگی بخشیدن به قهرمانان داستان و دقیق شدن در زوایای روحی هر کدام، چنان چیره دست و تواناست که خواننده ی آگاه بی اختیار دچار شگفتی می شود. شاهنامه ی فردوسی چه از نقطه نظر کمیت و چه از حیث کیفیت بزرگ ترین اثر ادبیات و نظم فارسی است و با قطع و یقین می توان گفت که یکی از شاهکارهای ادبی جهان است و اگر نخواهیم در راه احتیاط قدم برداریم می توانیم حتی مدعی شویم که شاهنامه معظم ترین یادگار ادبی تاریخ ادبیات جهان است. از نقطه نظر سبک شعر سرائی همانند مجموعه ی اشعار ایلیاد و ادیسه اثر هومر شاعر یونانی قرن هشتم قبل از میلاد در سبک و قالب شعر رزمی سروده شده و از نظر محتوی همچون ایلیاد و ادیسه که باز گو کننده داستان های اساطیری یونانی است، شاهنامه نیز افسانه های اساطیری ایرانی را رقم می زند مضافاً به اینکه بخش مهمی از شاهنامه به شرح رویدادها و وقایع تاریخی پادشاهان ساسانی و اشکانی اختصاص داده شده و از اسطوره تا مرز تاریخ و وقایع مستند و حقیقی پیش رفته و فراگیری می باشد. چون سخن آرسبک و قالب شعر گفتمیم لازم است اضافه نمایم که تفاوت اشعار فردوسی با اشعار حماسی یونانی در موضوع رعایت قافیه و وزن شعری است که اشعار رزمی یونانی گو اینکه در آنها تا حدودی رعایت وزن شده ولی قافیه ندارند و این کاملاً بخلاف اشعار حماسی فردوسی و سایر شعرای حماسه پرداز ایرانی است که وزن و قافیه که البته از ابتکارات شعرای عرب قبل از اسلام بوده در نهایت مهارت و استادی در اشعارشان به کار گرفته شده است. این سبب شده که در سایه ی نوع و ابتکار و ذوق شعرای ایران شعر فارسی دارای ساختاری غنی، پربار، زیبا و بی نظیر شود که در گنجینه شعر جهان بی همتا و ماندگار است. از گفتگو در مورد سبک تنظیم شاهنامه که بگذریم به موضوع اهمیت تاریخی این اثر بزرگ در کار احیاء و بقای تاریخ ملی ما و بازسازی زبان فارسی می رسمیم و اینجاست که حقیقتاً داستان شکل دیگری پیدا می کند و شاهنامه جایی جدید و استثنائی را در تاریخ فرهنگ و زبان ملت باستانی ایران به خود اختصاص می دهد. نخستین منت بزرگی که فردوسی بر ما دارد احیاء و ابقای تاریخ ملی ماست. هرچند جمع آوری این تاریخ را فردوسی نکرده و عمل او تنها این بوده که کتابی را که پیش از او فراهم آمده به نظم در آورده است، لیکن همین اقدام کافی است که او را زنده کننده ی آثار گذشته ایرانیان به شمار آورد. چنانکه خود او این نکته را متوجه بوده و فرموده است «عجم زنده کردم بدین پارسی» و پس از شماره ی اسامی بزرگانی که نام آن ها را ثبت جریده ی روزگار ساخته است می گوید:

چو عیسی من این مردگان را تمام

سراسر همه زنده کردم به نام

اگر فردوسی شاهنامه را به شعر در نیاورده بود این روایات همچنان مانند تاریخ بلعسی و نظایر آن در می آمد که از صد هزار نفری که نذر آنها را خوانده و ندیده و شکی نیست که اگر سخن دلنشین فردوسی نبود وسیله ی ابقای تاریخ ایران همانا منحصر به کتبی چون تاریخ مسعودی و ابوریحان بیرونی می بود که همه به زبان عربی نوشته شده و ایرانیان از فهم آن عاجزند. شاهنامه ی فردوسی از بدو امر نزد فارسی زبانان چنان دلچسب واقع شده که عموماً فریفته ی آن گردیده اند. هر کسی خواندن می توانست شاهنامه را می خواند و کسی که خواندن نمی دانست در مجالس شاهنامه خوانی برای شنیدن و لذت بردن از آن حاضر می شد. کمتر ایرانی بود که آن داستان ها را نداند و اشعار شاهنامه را از بر نخواند و قهرمان هائی را که فردوسی به آنها در شاهنامه حیات جاودان بخشیده است نشناسد. این برخلاف رسم زندگی امروز ما ایرانیان است که به جای خواندن شاهنامه یا دیوان حافظ و یا بوستان و گلستان سعدی که همه قباله و سند نجابت و اخلاق و معنویت ایرانی است، سب اوپراها و سریال های تلویزیونی مبتذل و خانمان برانداز غربی را برنامه ی زندگی، دستور کار آموزندگی و وسیله ی سرگرمی و تفریح خود قرار داده ایم. در این جا لازم است مختصراً پاسخی بدهم به انتقادات پاره ای منتقدان که اظهار نظر

کرده اند روایاتی را که فردوسی در شاهنامه نقل کرده یا تمام عاری از حقیقت است و یا در حد افسانه می باشد و لذا چگونه می تواند سند تاریخ ما محسوب گردد. غافل نباید شد از اینکه مقصود از تاریخ چیست و فواید آن کدام است. البته در هر رشته از تحقیقات و معلومات حقیقت باید هدف و مقصود باشد، اما در این مورد به خصوص، مطابق واقع بودن یا نبودن قضایا منظور نظر نیست. همه ی اقوام و ملل متمدن و باستانی مبانی تاریخشان مجهول و آمیخته با افسانه است و هر اندازه سابقه ی ورودشان به تمدن قدیمی تر باشد، این کیفیت درباره ی آنها بیشتر صادق است، زیرا که در ازمنه ی باستانی تحریر و تدوین کتاب و مقالات و رساله ها شایع و رایج بوده و کامپیوتر هم که به طور قطع و یقین هنوز اختراع نشده بود، لذا وقایع و سوانحی که بر ملت ها وارد می شد، فقط در حافظه ی اشخاص نقش می گرفت و سینه به سینه از یک نسل به نسل دیگر می رسید و ضعف حافظه و یا نیروی تخیل و تعصب اشخاص، وقایع و قضایا را در ضمن انتقال تغییر می داد و کم کم پس از گذشت زمان طولانی به صورت افسانه در می آمد. خاصه اینکه طبیعت انسان عموماً بر این است که درباره ی اشخاص یا اموری که که در ذهن ایشان تأثیر عمیق و دلخواه می بخشد افسانه سرائی کنند و به طور خلاصه باید بگویم که تاریخ باستانی کلیه ی اقوام و ملل افسانه مانند است و بالخصوص ایرانیان همواره معتقد بوده اند که پادشاهان بزرگی چون جمشید و فریدون و کیقباد و کیخسرو و مردان نام آوری چون کاوه و گیو و گودرز و رستم و اسفندیار، حافظ جان و مال و عرض و ناموشان در مقابل دشمنان مشترکی چون ضحاک و افراسیاب و غیره بوده اند. بنابه مراتب گفته شده، اهمیت شاهنامه را نباید بدانگونه که افرادی چون احمد شاملو به دلیل افسانه مانند بودنش نادیده انگاشته اند مورد توجه و بررسی و ارزشیابی قرار داد. ارزش و اهمیت این سند پرافتخار ملت کهن ما در این است که فردوسی داستان ها و افسانه های باستانی و پاره ای وقایع تاریخی مربوط به ادوار جدیدتر را در واژه ها و لغات و ساختمان اصیل فارسی دری به شعر نغز و زیبا و پرتنین حماسی ریخته است و زبان فارسی را که رفته بود در سایه ی استیلا و یوغ و فشار ارتجاعی اعراب بعد از اسلام و با جدیتی که تازیان برای محو و نابودی زبان و فرهنگ ایران به کار می بردند از صحنه ی گیتی محو شود، با صرف سی سال از عمر خود و با تلاش بی گیر و وقفه ناپذیر تحسین آمیزش تجدید حیات بخشید. از لابه لای خاکستر زمان واژه ها و اصطلاحات و ساختار زبان فارسی را بیرون کشد، آن را زیبا و جذاب و خواندنی و شنیدنی بسازد تا مردم ایران نسل اندر نسل پس از او زبان را به کار برند و در حفظ و تداوم و بقای آن بکوشند. اگر فردوسی و شاهنامه ی او نبود، امروز من و شما و نسل های بعد از ما به مانند بسیاری ملل قدیمی و باستانی چون مصریان، حبشیان، سومریان، عراقیان و کشورهای ساحل شمال آفریقا که همه از خود قبل از هجوم اعراب تمدن و زبان و فرهنگ اصیل و باستانی داشته اند، ولی امروز به زبان عربی تکلم می کنند و می نویسند، ما نیز به زبان عربی صحبت می کردیم و خط می نوشتیم، و مهمتر آنکه همچون ملل یاد شده وارث فرهنگی چنین غنی و پربار و شکوهمند که امروز هستیم نمی بودیم. شاهنامه ی فردوسی به زبان های انگلیسی-فرانسوی-آلمانی-ایتالیائی-دانمارکی-گرجائی-ترکی عثمانی-عربی و روسی ترجمه و چاپ شده است.

و بالاخره و لازم است به تأکید بگویم که شاهنامه تنها یک شاهکار شکفت انگیز و بی نظیر حماسی نیست. شاهنامه ی فردوسی گنجینه ای است غنی و پربار از حکمت و فلسفه که همانند بوستان و گلستان سعدی در لابلای ابیات آن هزاران پند و اندرز و نقطه نظرهای حکیمانه و فیلسوفانه نهفته است. شاهنامه درس زندگی است. دایره المعارف اخلاق و معنویت-انسان شناسی و جامعه شناسی و اندیشه و تفکر ایرانی است. داستان پرافتخار زندگی و تاریخ سراسر پر از نشیب و فراز قوم آریائی است که اثر و نشان شکوهمندشان را جاودانه در صحنه ی کیتی به یادگار گذاشته اند.

فردوسی هزار سال است که بر ایران فرهنگی حکومت انسانی دارد. او به قول خودش از نظم کاخی بلند ساخت که از باد و باران بی گزند بوده است، و علیرغم حوادث زمان بعد از او و یورش های وحشیانه قبایل و اقوام تاراج گر چون مغول و تاتار و افغان و بالاخره اعمال سیاست های استعمار گرانه ی ملل اروپائی از قرن شانزدهم میلادی به بعد در کشورهای آسیائی و آفریقائی که متجر به جایگزینی زبان و فرهنگ پاره ای از این ملت ها شد، زبان و فرهنگ فارسی تداوم حیات خود را حفظ کرد. فردوسی از گوهر واژه ها گردن بندی رنگارنگ از حکمت و اندیشه و تفکر، هویت ملی و تاریخی، اندیشه های ژرف حکمت خسروانی و عرفان اشراقی و تصوف خردگرایانه و عاشقانه ساخت و زینت بخش فرهنگ ایران کرد و روح ایرانی را حیات تازه بخشید. دوران فردوسی، دوران تجدید حیات و شکوفائی فرهنگ ایرانی بود، کودکی فردوسی همزمان بود با دوران اوج قریحه ی رودکی و پیری او مصادف با آغاز سخنسرائی ناصر خسرو.

در طول عمر فردوسی زبان دری به همت بزرگان فرهنگ ایران زبان شعر و ادب شد و به حد کمال رسید و مجامع بزرگی از شعرا و نویسندگان در دربار سامانیان و غزنویان و سایر مناطق، در خراسان بزرگ پدید آمد و چهره های درخشانی چون فرخی سیستانی و منوچهری و سایرین در صحنه ی فرهنگ ایران ظاهر شدند که اگر چه در محتوای اشعار و رسالت تاریخی آنها سخن بسیار است، اما در زیبایی بیان و طراوت کلامشان حرفی نیست. دنباله مطلب در صفحه ۴۷

## Fantastic Imagery

Photo & Video Productions  
Artistic, Imaginative  
Unobtrusive

عکاسی و فیلمبرداری مجالس عروسی،  
سالگرد و سایر مراسم و جشن ها

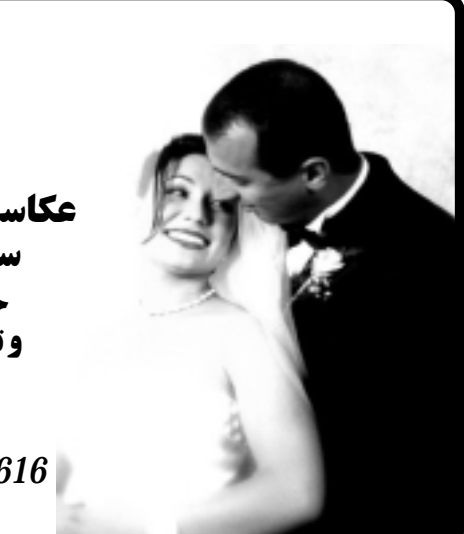
خاطرات روز خوشان را از نگاه هنری  
و تکنیکی ما، همیشه جاودان نگه دارید!

پکیج های مختلف برای هر بودجه

عکسها، نکتیو ویدئو یوتان را در کوتاهترین مدت دریافت خواهید کرد!

(408) 891-7828 & (916) 435-9616

www.fantasticimagery.com



## Overeaters Anonymous



آیا غذا و اضافه وزن برای شما یک مشکل هست؟  
آیا حتی وقتی که گرسنه نیستید غذا می خورید؟  
آیا به طور غیر قابل کنترلی زیاد می خورید؟  
آیا وزن شما روی طرز زندگی تان اثر گذاشته است؟

با گروه Overeaters Anonymous تماس بگیرید،

و یا در جلسات فارسی ما شرکت فرمایید.

ما یک گروه یار و رفیق هستیم

بدون حق عضویت،

بدون هیچگونه هزینه

Sundays 3:00pm-4:00pm

(۴۰۸) ۲۶۸-۷۲۴۳

Balboa Apartments Community Room 151 S. Bernardo Ave., Sunnyvale, CA